

دستور زبان فارسی

دستور زبان فارسی

دستور زبان فارسی

(ج ۲، ص ۲۸۲-۲۸۵) در ترجمه حال ابوحنبلان نحوی (متوفی ۷۴۵) از جمله تألیفات او از کتابی با عنوان «منطق الخرس فی لسان الفرس» نام می برد که به زبان عربی و درباره قواعد زبان فارسی بوده است. متأسفانه نسخه ای از این کتاب در دست نیست.^(۲)

- کتابی است به عربی به نام «حلیه الانسان فی حلبة اللسان»، تألیف ابن مهنه، در قواعد زبان های عربی، ترکی مغولی و فارسی که در عهد تیمور لنگ نوشته شده است.^(۳)

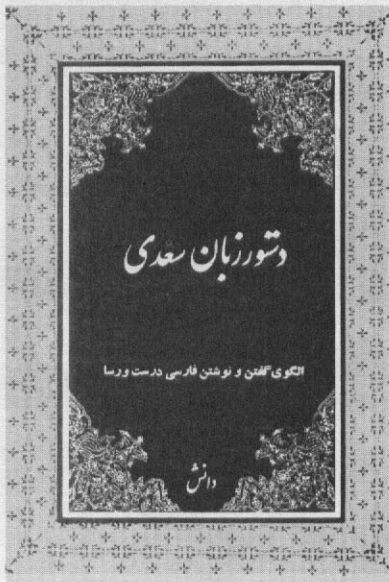
- لسان القلم در شرح الفاظ عجم، تألیف عبدالقهار بن اسحق، ملقب به شریف که در قرن نهم هجری به نام سلطان ابوالقاسم بابر بهادرخان (متوفی ۸۶۱) تألیف شده و نسخه ای از آن به ضمیمه کتاب «میزان الاوزان» در فن قافیه، تألیف همین مؤلف موجود است. کتابت این کتاب به سال ۱۰۱۲ انجام پذیرفته است.^(۴)

فارسی به چند مورد باید توجه داشت؛ یکی زبان اثر، دوم محل تألیف این دستورها، سوم قومیت و زبان مؤلف؛ با در نظر گرفتن سه موضوع یاد شده می توان دستوره های اولیه زبان فارسی را به هفت گروه متمایز تقسیم کرد:

الف: کتاب هایی که به طور مستقیم در مورد دستور نوشته نشده یا نسخه ای از آن ها در دست نیست.^(۱)

- کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم، تألیف شمس الدین محمد بن قیس رازی، متعلق به اوایل قرن هفتم؛ این کتاب درباره مسائل مختلف شعری تألیف شده اما در بحث از فن قافیه، مؤلف درباره انواع حروف و پسوندها، توضیحات جالب و مفصلی را مطرح می کند که سبب می شود این کتاب مأخذ بسیاری از دستورنویسان بعدی قرار گیرد.
- ابن شاکر کتبی، در کتاب فوات الوفیات

□ پیشینه دستورنویسی برای زبان فارسی پیش از این، گذشتگان ما آموزش دستور زبان را برای کسانی لازم می دانستند که بخواهند زبانی را به عنوان زبان دوم بیاموزند؛ بنابراین، کم تر اتفاق می افتاد که اهل یک زبان به تألیف و آموزش دستور همان زبان اقدام کنند. این قاعده درباره تدوین لغت نامه هم صادق است؛ مثلاً اگر فهرست مؤلفان لغت نامه ها و کتاب های صرف و نحو عربی را مرور کنیم، درمی یابیم که اغلب این مؤلفان غیرعرب بوده اند. این نظریه درباره دستورنویسی برای زبان فارسی هم صدق می کند؛ زیرا دستوره های اولیه فارسی را افراد غیرفارسی زبان نوشته اند. از سویی، نفوذ زبان عربی در بین گویندگان فارسی زبان آنان را از توجه به زبان فارسی و تدوین دستور این زبان منصرف کرد. باری، برای تبیین تاریخ دستورنویسی زبان



ب: کتاب‌هایی که در دوره حاکمیت دولت عثمانی در آسیای صغیر نوشته شده است. نویسندگان این دستورها اغلب عرب بوده‌اند و این آثار هم به زبان عربی یا ترکی عثمانی نوشته شده است.

کتاب‌هایی که در این گروه مورد بررسی قرار می‌گیرند، در سرزمین‌های تحت سلطه عثمانی تألیف شده است. این آثار به حدود قرن‌های نهم و دهم، آغاز گسترش و نفوذ زبان و ادب فارسی در دولت عثمانی تعلق دارند و عمدتاً به زبان عربی و به وسیله نویسندگان عرب تألیف شده‌اند. مخاطبان آن‌ها عرب‌زبانان یا ترکان عثمانی هستند که جاذبه‌های ادب فارسی به نوعی آنان را به فراگرفتن زبان فارسی تشویق می‌کرده است. تعداد این دستورها قابل توجه است و نسخه‌های متعددی از آن‌ها در کتابخانه‌های ترکیه وجود دارد. در زیر به تعدادی از آن‌ها که از نظر تاریخ تألیف کهن‌تر هستند، اشاره می‌کنیم.

۱- تاج‌الرؤس و غرة النفوس، از احمد بن اسحق قیسری (قیصری) از اهالی قیساریه روم. تاریخ تألیف این اثر قبل از ۸۹۸ هجری قمری است.^(۵)

۲- اقوموم عجم که سال تألیف آن را ۸۹۸ هـ. ق نوشته‌اند.^(۶)

۳- وسیلة المقاصد الی احسن المراصد، اثر خطیب رستم المولوی، تألیف به سال ۹۰۳ هـ. ق. این کتاب در زمینه لغت فارسی به ترکی و برای استفاده ترک‌زبانان است. مؤلف در آغاز اثر خود، منظومه‌ای در بیان قواعد زبان فارسی گنجانیده است.^(۷)

۴- قواعد الفرس (اساس الفرس) که در حدود سال ۹۰۰ هجری به زبان عربی نوشته شده؛ نویسنده آن گویا ترک بوده و به سال ۹۴۰ وفات یافته است.^(۸)

۵- رساله مشکل گشا، که جزء کتاب شامل اللغة آمده است. مؤلف این اثر حسن بن حسین بن عماد قراحصاری است که اثر خود را پیش از

۹- الامثلة الفارسیه، به زبان عربی در صرف و نحو فارسی که نسخه مورخ ۹۵۸ هـ. ق آن تحت عنوان «نسخة فیها القواعد و الامثلة» جزء کتب علی امیری افندی در کتابخانه ملت استانبول موجود است.^(۱۳)

۱۰- التحفة الهادیة یا «دانستن»، از آن روی که با این واژه آغاز شده است. این اثر از یکی از نویسندگان عثمانی به نام حاجی الیاسی است که در سده دهم هجری می‌زیسته. کتاب برای آموزش بنیادهای دستور زبان فارسی به کودکان نوآموز به زبان فارسی نوشته شده است. ده بخش از این کتاب درباره صرف فعل و چهار فصل آن شامل واژه‌های دستیاب فارسی با گزارش آن‌ها به ترکی عثمانی است.^(۱۴)

۱۱- مفاتیح الدریه فی اثبات القوانین الدریه، اثر مصطفی بن ابی بکر السیواسی، در سال ۱۱۶۳ مصطفی عصام الدین حسینی شرحی به ترکی با نام «شرح مفاتیح الدریه فی قواعد الفرس» بر این کتاب نوشته است.^(۱۵)

۱۲- قواعد الدریه، به زبان ترکی اثر نشاطی ادرنوی شاعر ترک که به سال ۱۰۸۵ هجری وفات کرده است.^(۱۶)

تعداد دستورهایی که در ترکیه عثمانی درباره زبان فارسی نوشته شده، فراوان است. در این مقال به آن دسته از دستورهایی که از نظر تاریخی کهن‌تر هستند، اشاره می‌کنیم.

پ: دستورهایی که در شبه قاره هند تألیف شده‌اند و مؤلفان آن‌ها اغلب ایرانی هستند که در دوره اکبر شاه به آن دیار مهاجرت کرده‌اند. زبان این دسته از دستورها بیش‌تر فارسی است و معدودی هم به زبان اردو و انگلیسی نوشته شده‌اند.

نفوذ فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره هند با تأسیس سلسله گورکانیان هند در سال ۹۳۲ هـ. ق به دست بابر آغاز شد.

مهار حکومت گورکانیان در ابتدا به دست رجال ایرانی بود؛ در نتیجه، سلسله‌ای که ظهیرالدین بابر در هند پی افکند یک دولت تمام

سال ۹۱۸ هـ. ق. تألیف کرده است. نسخه خطی این کتاب که مرحوم مجتبی مینوی در یادداشت‌های خود از آن یاد کرده، در کتابخانه ایون قره حصار (ترکیه) نگه‌داری می‌شود و مورخ به سال ۹۱۰، ۹۱۱ و به خط حسن بن قاسم است.^(۹)

۶- تحفه شاهی اثر ابراهیم بن خدای دده شاهی که در سال ۹۲۰ تألیف شده است.^(۱۰)

۷- رساله یائیه از احمد بن سلیمان، معروف به ابن کمال پاشا، صاحب کتاب دقائق الحقائق در لغت و نویسنده کتاب نگارستان. رساله یائیه در شرح گونه‌های «یا»ی زایدی است که در آخر واژه‌ها و فعل‌های فارسی می‌آید. کمال پاشا در این اثر که به زبان فارسی-ترکی تألیف شده است، بیست گونه از انواع «یای زاید» را معرفی می‌کند و از شاعران پیشین بیت‌هایی به عنوان شاهد می‌آورد.^(۱۱)

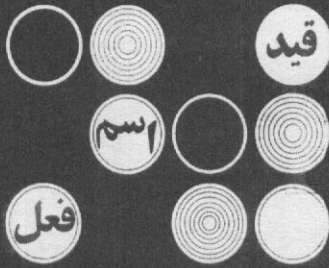
۸- کتاب نحو فارسی؛ این اثر به زبان عربی و به سال ۹۵۷ در دولت عثمانی تألیف شده است. از نویسنده آن اطلاعی در دست نیست.

نسخه خطی این کتاب جزء کتاب‌های علی امیری افندی، در کتابخانه ملت استانبول به شماره ۳۱۱ موجود است.^(۱۲)

دستور امروز

شامل پژوهشهای تازه‌ای در
صرف و نحو فارسی معاصر

دکتر نصر و شریذی



نام از شخصی به نام نظام‌الدین احمد که به سال ۱۱۸۸ تألیف شده است. (۲۲)

۵- مجمع‌القوانین مشتمل بر نه قانون اثر شخصی به نام امیراسدالله که در سال ۱۱۶۹ هـ. ق تألیف شده است. (۲۳)

۶- قواعد فارسی، با نام هفت گل، منظومه‌ای است در حدود ۲۳ صفحه، اثر کامتا پرشاد که در سال ۱۷۸۹ م/ ۱۲۰۴ ق در لکهنو به چاپ رسیده است. (۲۴)

۷- قواعد فارسی، اثر روشن علی انصاری جوانپوری در حدود ۱۸۰۰ م/ ۱۲۱۵ ق که در لکهنو به زیور طبع آراسته گردید و سپس چندین بار در کلکته چاپ شد. (۲۵)

۸- قواعد فارسی از مؤلفی ناشناخته که در سال ۱۲۳۵ ق در کلکته به چاپ رسیده است. (۲۵)

۹- قواعد المبتدی از مؤلفی ناشناخته که در ۹۲ صفحه به سال ۱۸۲۵ م/ ۱۲۴۱ ق در کلکته چاپ شده است. (۲۵)

۱۰- گرامر فارسی به صورت پرسش و پاسخ در ۷۰ صفحه که فردی به نام عطاالله در سال ۱۲۴۴ هـ. ق آن را در کلکته به چاپ رسانده است. (۲۵)

۱۱- رساله علم النحو (مجموعه پنج دستور زبان فارسی در یک جلد) از مؤلفی ناشناس که به سال ۱۸۳۶ م/ ۱۲۵۱ ق در کلکته چاپ شده است. (۲۵)

۱۲- حروف تهجی از مؤلفی ناشناس که به

عیار ایرانی بود. (۱۷) از این تاریخ تا مدت‌ها زبان فارسی زبان رسمی دربار هند و زبان سیاست و ادب و شعر در این کشور پهناور بود. دیری نکشید که شاعران بسیار از میان مردم آن سامان در کشمیر و لاهور و دهلی و دیگر جای‌ها برخاستند و به تألیف کتاب‌های معتبر گوناگون در نظم و نثر فارسی پرداختند. (۱۸)

توجه به زبان و فرهنگ فارسی در هند به ظهور نهضت جدیدی در دستورنویسی فارسی در این سرزمین انجامید. این دستورها که اغلب به زبان فارسی بود، به وسیله فارسی‌زبانان مهاجر و هندی برای آموزش زبان فارسی نوشته می‌شد.

نکته مهم دیگر در این دوره، نوشتن قواعد صرف و نحو زبان فارسی در مقدمه کتاب‌های لغت است که به وفور در هند تألیف می‌شد. اگرچه این سنت سابقه‌ای کهن دارد و در دولت عثمانی هم نمونه‌هایی از آن موجود است اما در هند لغت نامه نویسی و دستورنویسی برای زبان فارسی رونقی دیگر داشت. ما نیز به مهم‌ترین و کهن‌ترین این لغت‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- میزان فارسی یا بعضی قانونات فارسی، تألیف جمال‌الدین حسین بن سید نورالله مرعشی شوشتری که در سال ۱۱۶۵ هـ. ق در عظیم آباد هند تألیف شده است. (۱۹)

۲- جامع القواعد، تألیف محمد قلی خان متخلص به محب، از پارسی دانان هندنشین همزمان با شاه عالم، جلال‌الدین (۱۱۷۳-۱۲۰۲ هـ. ق) پادشاه گورکانی. این کتاب در سال ۱۱۷۴ در شش مقاله مشتمل بر حرف، کلمه، جمله، گونه‌های مصدر، چگونگی ساختن فعل گذشته و آینده و تعریف فعل‌ها و حرف‌های منفصل و فراهام‌آینده و نحو و اشتقاق فراهم آمده است. (۲۰)

۳- رساله‌ای در دستور زبان فارسی در هفده باب، بدون نام از شخصی به نام شیخ عبدالباسط (متولد ۱۰۹۹ هـ. ق). (۲۱)

۴- رساله‌ای در دستور زبان فارسی. بدون

سال ۱۸۳۷ م/ ۱۲۵۳ ق در کلکته چاپ شده است. (۲۵)

۱۳- جامع القوانین از مؤلفی ناشناس که به سال ۱۸۳۹ م/ ۱۲۵۵ ق در کلکته چاپ شده است. (۲۵)

۱۴- شجرة الامانی در ۲۰ صفحه، از مؤلفی ناشناس که، به سال ۱۸۴۱ م/ ۱۲۵۷ ق در لکهنو چاپ شده است. (۲۵)

۱۵- مخزن الفوائد یا خزانه الاصول اثر محمد فائق بن غلامحسن؛ این کتاب در ۱۸۲ صفحه و به سال ۱۸۴۴ م/ ۱۲۶۰ ق در لکهنو چاپ شده است.

۱۶- بدیع الصرف از کاووس خان که در سال ۱۸۴۸ م/ ۱۲۶۵ ق به چاپ رسیده است.

۱۷- صفوة المصادر از محمد مصطفی خان بن محمد روشن خان، که به سال ۱۸۶۴ م/ ۱۲۸۱ ق در کانپور و پس از آن چند بار در لاهور و دیگر مناطق هند چاپ شده است. (۲۵)

۱۸- دستور پارسی آموز، در پنج جزء شامل علم حروف، قواعد املا، اجزاء جمله و اسلوب ترکیب، علم سخن پارسی، عروض و قوافی و علم بلاغت تألیف شده است. مؤلف آن عیدالله بن امین‌الدین احمد سهروردی متولد سال ۱۲۸۰ ق است. این اثر در سال ۱۲۹۴ ق در لکهنو چاپ شده است. (۲۵)

۱۹- نهج الادب اثر حکیم عبدالغنی خان صاحب رامپوری، در ۸۲۲ صفحه به سال ۱۹۱۹ م/ ۱۳۳۸ ق در لکهنو چاپ شده است.

این کتاب که هنوز هم از بسیاری جهات قابل تأمل است، کامل‌ترین و مفصل‌ترین کتابی است که در زمینه دستور زبان فارسی در هند تألیف شده و دستور نویسان بعد، خود را از آن بی‌نیاز ندانسته‌اند. (۲۵)

۲۰- قند پارسی در مقدمات فارسی، مشتمل بر هفت کتاب است: کتاب الحروف در ۵۸ صفحه، کتاب الاسماء در ۴۵ صفحه، کتاب الامغال در ۸۱ صفحه، کتاب المشتربات



در ۵۳ صفحه، کتاب حروف عامله در ۹۱ صفحه، کتاب المصطلحات در ۳۳ صفحه، کتاب الکلمة و الکلام در ۶۲ صفحه. این اثر در ۱۹۲۳ م/ ۱۳۴۱ ق در بمبئی چاپ شده است.^(۲۵)

تعداد فراوانی رساله در زمینه دستور زبان فارسی تحت عنوان‌های «آمدنامه»، «آمدن نامه»، «شرح آمدن» در هند تألیف شده که نسخه‌هایی از آن‌ها در دست است، مثل آمدنامه بدیع اثر سکهرام داس که بیش‌تر برای آموزش تعریف افعال فارسی در زمان‌های گوناگون به نوآموزان تألیف شده است.^(۲۶)

آنچه برشمرديم تنها تعداد محدودی از انبوه کتاب‌ها و رسالات چاپ شده و چاپ نشده دستور زبان فارسی است که در سرزمین هند تألیف شده است.

ت: رساله‌هایی که در مقدمه لغت‌نامه‌های فارسی جای گرفته‌اند و در آن‌ها به اجمال درباره‌ی صرف و نحو زبان فارسی سخن گفته شده است.

بنا به رسمی کهن که از بلاد روم آغاز شده بود و در سرزمین هند به تکامل رسید و سرانجام در ایران دنبال شد، مباحث دستوری در مقدمه لغت‌نامه‌ها گنجانده شد. کهن‌ترین این گونه آثار «وسيلة المقاصد الی احسن المراصد» و «رساله مشکل گشا» است که قبلاً در گروه «ب» از آن‌ها نام برده‌ایم. این آثار عبارت‌اند از:

۱- فرهنگ شعوری یالسان العجم، تألیف حسن شعوری از مشاهیر بلاد روم. اولین بار این لغت‌نامه دوزبانه (فارسی به ترکی) در سال ۱۱۵۵ در قسطنطنیه و سپس در سال ۱۳۱۴ در اسلامبول چاپ شد.

۲- فرهنگ جهانگیری اثر جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجو که بین سال‌های ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۷ در هند تألیف شد.

این لغت‌نامه، مفصل‌ترین و قدیمی‌ترین فرهنگ فارسی است که در هند تألیف شده است. دوازده آیین در مقدمه آن درباره‌ی مباحث

آنان آشنایی با زبان و فرهنگ ایرانی بوده است با قصد و غرض استعماری؛ این دسته از آثار به زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ایتالیایی است.

اروپاییان خیلی پیش‌تر از ایرانیان، شروع به تألیف دستور زبان فارسی کردند. اغلب این تألیفات به زبان‌های غربی است و مؤلفان آن‌ها عمدتاً خاورشناسان، کشیشان و مبلغان مسیحی هستند. هدف از تألیف این دستورها تعلیم زبان فارسی به کسانی بوده است که برای انجام مأموریت‌های نظامی و سیاسی و مذهبی به ایران روانه می‌شده‌اند. البته در بین این مؤلفان کسانی هم هستند که هدف‌های علمی و فرهنگی داشته‌اند. به هر جهت، این دستورها به عنوان پشتوانه تاریخ دستور زبان فارسی قابل بررسی هستند و بسیاری از آن‌ها هنوز هم جزء بهترین دستورهایی است که برای زبان فارسی تألیف شده است. در این جا به تعدادی از کهن‌ترین این تألیفات اشاره می‌کنیم:

۱- عنصرهای زبان فارسی (Rudimenta Linguae Persicae) تألیف Ludouico de Dieu؛ این کتاب در ۹۵ صفحه به قطع خستی در سال ۱۶۳۹ م/ ۱۰۴۹ ق (ده سال بعد از وفات شاه عباس) در لوگدونی باتا و روم (لیدن هلند) طبع شده و تا آن‌جا که اطلاع داریم، کهن‌ترین دستور زبان فارسی در اروپاست.^(۳۳)

۲- دستور زبان فارسی (Grommatica Linguae Persiae) تألیف کشیش کرملی از اعضای هیأت مبلغان در تریپولی و جبل لبنان. کتاب در ۶۰ صفحه به سال ۱۶۶۱ م/ ۱۰۷۲ ق در شهر رم چاپ شده است.^(۳۴)

۳- بنا بر آن چه زنگر در جلد اول «Bibliotheca Chientalis» نوشته است، دومین دستور زبان فارسی تألیف «Joanne Gravio» در سال ۱۶۴۹ م/ ۱۰۵۹ ق در لندن منتشر شده است.^(۳۵)

۴- دستوری که توسط Jacobi Altini تألیف و در سال ۱۷۳۵ م/ ۱۱۴۸ ق چاپ شده

دستوری و لغوی و زبان‌شناسی آمده است.^(۲۷)

۳- برهان قاطع از محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان که در سال ۱۰۶۲ در هند تألیف شده است. مقدمه این لغت‌نامه در نه فصل (نه فایده) به مسائل دستور زبان فارسی و زبان‌شناسی و لغت‌شناسی، اختصاص یافته و قدیمی‌ترین چاپ آن به سال ۱۸۱۸ م/ ۱۲۳۴ ق در کلکته انجام پذیرفته است.^(۲۸)

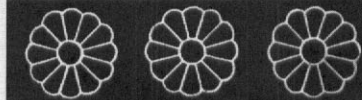
۴- فرهنگ رشیدی اثر عبدالرشیدبن عبدالغفور الحسینی المدنی اهل تته هند. زمان تألیف این اثر با اسارت شاه جهان در زندان پسرش اورنگ زیب مصادف بوده است. (۱۶۵۷ م/ ۱۰۶۸ ق) این فرهنگ در سال ۱۲۹۲ در کلکته به چاپ رسید.^(۲۹)

۵- فرهنگ نظام، تألیف سید محمد علی داعی الاسلام استاد نظام کالج در حیدرآباد دکن. این اثر در پنج جلد در هند به سال ۱۳۴۴ ق چاپ شده است.^(۳۰)

۶- هفت قلزم تألیف حیدر پادشاه (حیدرخان) غازی، در دو جلد به سال ۱۸۲۲ م/ ۱۲۳۸ ق در لکهنو تألیف شده است.^(۳۱)

۷- فرهنگ انجمن آرا، اثر رضا قلی خان هدایت (۱۲۱۸-۱۲۸۸) معروف به لاله‌باشی، این فرهنگ در سال ۱۲۸۸ ق در تهران به چاپ رسید.^(۳۲)

ت: دستورهایی که در اروپا تألیف شده است. مؤلفان این دستورها عمدتاً خاورشناسان اروپایی بوده‌اند و هدف بیش‌تر



است. (۳۶)

۵- کتاب *Gazophylacium Linguae Persarum* تألیف آنچه دست جوزف که در سال ۱۶۸۴ م/ ۱۰۹۶ ق در آمستردام چاپ شده است. (۳۷)

۶- دستور زبان فارسی تألیف ویلیام جونز؛ این کتاب در سال ۱۷۷۱ م/ ۱۱۸۵ ق در لندن تألیف شده است. چاپ هشتم این اثر در ۱۸۲۳ در لندن چاپ شده که در دست است. (۳۸)

۷- دستور زبان فارسی (*A grammar of the persian language*) تألیف مویز ادوارد که به سال ۱۷۹۲ م/ ۱۲۰۷ ق در نیوکاستل به چاپ رسیده است. (۳۹)

۸- دستور زبان فارسی (*Grammatical Linguae Persicae*) اثر دمبای فرانز لورنزون که به سال ۱۸۰۴ م/ ۱۲۱۹ ق در ۱۱۴ صفحه در «Vindobonae» به چاپ رسید. (۴۰)

۹- دانشنامه یا دستور زبان فارسی، تألیف «rousseau sam» که به سال ۱۸۰۵ م/ ۱۲۲۰ ق در لندن منتشر شده است. (۴۱)

۱۰- دستور زبان فارسی تألیف lumsden, m. در دو جلد به سال ۱۸۱۰ م/ ۱۲۲۵ ق در کلکته چاپ شده است. (۴۲)

ذکر نمونه‌های بیش تری از این دست از حوصله این مقال بیرون است. بنا به گفته مرحوم مینوی: «جمع کثیری از اهل اروپا برای تدریس زبان فارسی به هموطنان خود کتاب‌های صرف و نحو و مکالمه و تمرین و قواعد تألیف کرده‌اند، مثل زالمان، ژوکوفسکی (باهم) و خندزکو، و روکرت. از همه این اروپاییان مشهورتر کاپیتان فیلات انگلیسی است که کتاب گرامر زبان فارسی او به نهصد و چهل صفحه به قطع وزیری بزرگ بالغ می‌شود و مسلماً اگر دقیق‌ترین دستورهای زبان ما نباشد، مفصل‌ترین آنها هست. یک دریا شواهد و امثله دارد و مواد بسیار برای کار تازه». (۴۳)

آن چه در این جا ذکر شد، جدا از تحقیقاتی

اصفهانی [دستان]. این اثر در ۱۳۵ صفحه به سال ۱۳۰۸ ق در استانبول به چاپ رسید. چاپ دوم این کتاب به سال ۱۳۲۴ ق در مطبعه تربیت در تبریز انجام شده است. ظاهراً میرزا حبیب نخستین کسی است که کلمه «دستور» را به کار برد؛ از همین مؤلف کتاب دیگری به نام «دستور سخن» در ۱۷۸ صفحه در دست است که در سال ۱۲۸۷ در استانبول چاپ شده است؛ مهدیقلی هدایت در کتاب «خاطرات و خطرات» می‌گوید: «... نسخه از دستور سخن

میرزا حبیب به دستم آمد؛ دیدم در طراز گرامرهای فرنگی، بعضی قواعد صرف آلمانی را با فارسی تطبیق خواسته است. تعجب کردم، معلوم شد وامبری نامی آلمانی در اسلامبول نزد او تحصیل فارسی می‌کرده است و آن کتاب به دستور او تنظیم یافته. آلمانی آن را هم به دست آوردم، «چهار چمن» هم از نسخه‌های هندی داشتم و خود دستوری نوشته بودم، اهم مقصودم زمان مادری است که باید خوب دانست و ابدأ طرف توجه نیست، عبدالعظیم خان قریب را واداشتم دو رساله در صرف و نحو فارسی ترتیب داد و معمول شد» (۴۴).

۵- معلم الاطفال، تألیف آخوند احمد حسین زاده؛ این کتاب با قطع بزرگ در سال ۱۲۹۷ ق در تفلیس چاپ شده است. (۴۶)

۶- تنبیه الصبیان تألیف محمد حسین بن مسعود بن عبدالرحیم انصاری؛ این اثر در سال ۱۲۹۸ ق در استانبول چاپ شده است. یک بار هم در سال ۱۲۹۲ ق در ۱۳۸+۳ صفحه به چاپ سپرده شد. (۴۷)

۷- زبده (در قواعد فارسی) تألیف نجیب انطاقی؛ این کتاب در سال ۱۳۰۰ ق در بولاق مصر با مقدمه ترکی در ۳۹ صفحه به چاپ رسید. (۴۷)

۸- لسان العجم، تألیف میرزا حسن طالقانی در ۲۶۳ صفحه به سال ۱۳۰۵ ق در تهران به طبع رسید. این اثر به سال ۱۳۱۷ ق نیز

است که اروپاییان معاصر هم چون ژیلبر لازار، لمبتون، راستور گوا، بویل (۴۲) و ده‌ها محقق دیگر در زمینه دستور زبان فارسی در دانشگاه‌های خود انجام می‌دهند.

ج: دستورهایی که این اواخر به تبع بیگانگان، در ایران و کشورهای هم‌جوار به وسیله ایرانیان و به زبان فارسی تألیف شده است.

هم‌زمان با آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های جدید در دوره مشروطه و ارتباط با همسایگان، توجه به فرهنگ نویسی و دستور زبان نویسی، به پیروی از دستور نویسندگان هندی و اروپایی و ترک، قوت گرفت. دستورهایی که در این دوره برای زبان فارسی نوشته می‌شد، به زبان فارسی بود و عمدتاً در ایران و گاه در ترکیه و روسیه تزاری و سپس شوروی سابق به چاپ می‌رسید. این دستورها عبارت‌اند از:

۱- قانون زبان فارسی با اشتقاق و اعلال کلمات عربیه، تألیف عباسقلی بن میرزا محمد خان بادکوبه؛ این کتاب در سال ۱۲۴۷ ق در تفلیس چاپ شد. (۴۵)

۲- قواعد صرف و نحو فارسی تألیف عبدالکریم بن ابی القاسم ایروانی [ملا باشی]، چاپ تبریز، ۱۲۶۲ ق (۴۵).

۳- قواعد فارسیه به ترکی تألیف شیخ مراد افندی که به سال ۱۲۶۲ ق در استانبول به چاپ رسید. (۴۵)

۴- دبستان پارسی، تألیف میرزا حبیب



دستور زبان فارسی امروز

غلامرضا زنگ

زبان‌شناسی در این سرزمین هستند. اما تعداد کتاب‌هایی که بر اساس آرای زبان‌شناسی تألیف شده باشد و بتوان نام دستور زبان فارسی بر آن‌ها نهاد، محدود است. در زیر به این کتاب‌ها اشاره می‌شود:

۱- دستور زبان فارسی اثر پرویز ناتل خانلری؛ این کتاب ابتدا به منظور تعلیم و تدریس در دوره اول دبیرستان فراهم شده بود. سپس بخش‌های دیگری بر آن افزوده شد و به صورت مستقل چندین بار به چاپ رسید. اثر سترگ و به جای ماندنی دیگر خانلری، تاریخ زبان فارسی است که تنها دستور تاریخی زبان فارسی به حساب می‌آید. اگر چه نویسنده آن در زمان حیات موفق به اتمام کار خود نشد.

۲- دستور امروز، اثر خسرو فرشیدورد؛ این کتاب در سال ۱۳۴۸ چاپ شد. مؤلف این کتاب یکی از پرکارترین و فعال‌ترین محققان در حوزه صرف و نحو زبان فارسی است. هر چند کتاب «دستور امروز» بیش از یک بار چاپ نشد، اما تحقیقات متعدد و دقیق نویسنده آن در مجلات ادبی این چند دهه، راهنمای بسیاری از محققان جوان بوده است.

۳- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، اثر محمد رضا باطنی؛ این اثر نخستین بار در سال ۱۳۴۸ به چاپ سپرده شد. مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید: «... این اولین دستور ساختمانی زبان فارسی است که با اسلوب نوین زبان‌شناسی عرضه می‌شود. در این پژوهش سعی شده روابط ساختمانی زبان فارسی توصیف شود و حتی المقدور از توسل به ملاک‌های معنایی خودداری شود.»^(۵۲)

۴- مبانی علمی دستور زبان فارسی تألیف احمد شفایی؛ چاپ اول این کتاب ۶۴۵ صفحه‌ای در سال ۱۳۶۲ انجام پذیرفت اما مطالب آن قبلاً در مجله سخن منتشر شده بود. آنچه درباره این کتاب گفتنی است این که مؤلف اثر خود را به دو بخش صرف و نحو تقسیم کرده و عمده نظریات تازه خود را در بخش نحو کتاب

شد که همگی به نوعی تحت تأثیر شدید این کتاب بودند.

ج: دستورهایی که تحت تأثیر نظریات زبان‌شناسی نوشته شده است. مؤلفان آن‌ها با مکتب‌های زبان‌شناسی آشنایی داشته‌اند یا خود زبان‌شناس بوده‌اند.

از آشنایی ایرانیان با علم زبان‌شناسی زمان زیادی نمی‌گذرد. کتاب‌های دستور زبان که بر پایه آرای زبان‌شناسی برای زبان فارسی تدوین شده‌اند، چندان کهن نیستند. در این مدّت کوتاه، زبان‌شناسان ایرانی، هر یک به فراخور علاقه و تخصص خود در یک یا چند زمینه زبان‌شناسی گام‌های ارزنده‌ای در خدمت به زبان فارسی برداشته‌اند و آثار ارزشمندی از خود بر جای نهاده‌اند. از جمله: محمد مقدم در زمینه ریشه‌شناسی فعل‌های فارسی، منصور اختیار در زمینه معنی‌شناسی، صادق کیا در حوزه گویش‌های زبان فارسی، ناتل خانلری در زمینه تاریخ زبان فارسی، احمد تفضلی، ژاله آموزگار و محسن ابوالقاسمی در زمینه زبان‌های باستانی، ابوالحسن نجفی، محمد رضا باطنی و علی اشرف صادقی در زمینه تبیین زبان فارسی بر اساس نظریات زبان‌شناسی، خسرو فرشیدورد، احمد شفایی و پرویز ناتل خانلری در زمینه تلفیق دستور زبان سنتی با زبان‌شناسی، یدالله ثمره و علی محمدحقیق شناس درباره آواشناسی زبان فارسی، و بسیاری بزرگان دیگر که پایه‌گذاران تحقیقات

در ۱۷۲ صفحه و در شهر بمبئی چاپ شد.^(۴۸)
۹- نامه زبان آموز (نحو و صرف زبان فارسی) تألیف علی اکبر ناظم الاطبا که در سال ۱۳۱۶ ق در ۳۱۰ صفحه در تهران به چاپ رسید.^(۴۹)

۱۰- نه‌ایه‌التعلیم، تألیف حسن رشیدی؛ این کتاب در دو جلد تألیف شده است: جلد اول شامل نحو است و جلد دوم آن در ۱۶۸ صفحه به سال ۱۳۱۸ ق در تهران به چاپ رسیده است.^(۵۰)

۱۱- دستور زبان فارسی، تألیف غلامحسین کاشف؛ این کتاب در ۸+۳۳۸ صفحه به سال ۱۳۲۹ ق در استانبول چاپ شده است.

۱۲- تعلیم لسان فارسی، تألیف حسین دانش، به سال ۱۳۳۱ ق/۱۲۹۱ ش در چهار قسم: ۱۳۸، ۶۰، ۳۳۶ و ۹۹+۲ صفحه‌ای در استانبول به چاپ رسید.

۱۳- دستور زبان فارسی تألیف عبدالعظیم قریب (به اسلوب السنه مغرب زمین)؛ این کتاب به سبب آن که در مدرسه‌ها تدریس می‌شد، بیست و یک بار چاپ شده و صورت مختصر، متوسط و مفصل آن در دست است. تاریخ نخستین چاپ آن به سال ۱۳۲۹ ق مربوط می‌شود.^(۵۱)

۱۴- دستور زبان فارسی، معروف به دستور زبان پنج استاد؛ این کتاب به وسیله پنج تن از استادان ادبیات یعنی عبدالعظیم قریب، ملک الشعرا بهار، بدیع الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی و رشید یاسمی تألیف شد. دستور مزبور در سال ۱۳۲۸ شمسی در دو جلد، برای تدریس در دوره آموزشی متوسطه تدوین شده بود. نظر به این که مؤلفان این کتاب کسانی بودند که قولشان در حوزه ادبیات فارسی حجت‌موجه بود، آرای مندرج در آن، حدود چند دهه بر تاریخ دستورتونویسی زبان فارسی سایه افکند. بعد از تألیف دستور زبان پنج استاد، ده‌ها کتاب دستور زبان فارسی تألیف

دستور زبان فارسی

از
مهدی مهدی‌اشرفی
دکتر زبان و ادبیات فارسی



آورده است.

۵- دستور اثر علی اشرف صادقی و غلامرضا ارزنگ؛ این کتاب در سه جلد، برای آموزش دوره متوسطه، رشته فرهنگ و ادب در سال ۱۳۵۷ تدوین شد. در مقدمه این اثر می‌خوانیم:

«کتاب حاضر بر پایه نظریه «نقش‌گرایی» «آندره مارتینه»، زبان‌شناس فرانسوی، است. نخستین تفاوت میان این دستور و دستورهای گذشته این است که در این جا کلمات و عناصر زبان بر اساس نقش خود تعریف شده‌اند در صورتی که در کتاب‌های سابق تعاریف منحصرأً مبتنی بر معنی است.

تفاوت دوم در این است که در این جا زبان به عنوان یک دستگاه مستقل در محدوده خود آن تعریف و بررسی شده و با عالم خارج و مقولات آن آمیخته نشده است؛ در حالی که در دستورهای سابق زبان و عالم خارج به شکل جدایی ناپذیری در هم آمیخته‌اند.

تفاوت سوم میان این کتاب و دستورهای قدیم در این است که در این کتاب به شیوه زبان‌شناسان، توجه اصلی به نحو و ساختمان جمله بوده و نخستین مبحث کتاب، ساختمان جمله ساده، یعنی کوچک‌ترین واحد ارتباطی زبان قرار داده شده در حالی که در کتب سابق توجه اصلی به صرف و ساختمان کلمه بوده که نسبت به نحو جنبه فرعی و ثانوی دارد. (۵۳)

۶- دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری اثر مهدی مشکوة‌الدینی؛ تاریخ چاپ اول این کتاب سال ۱۳۶۶ است.

۷- دستور زبان فارسی و دستور زبان عامیانه، هر دو اثر دکتر تقی وحیدیان کامیار از بین کتاب‌های دستور که در این گروه به آن‌ها پرداختیم، مورد سوم و ششم، تحقیقاتی صرفاً زبان‌شناسانه هستند و مورد اول کم‌ترین تأثیر را از زبان‌شناسی پذیرفته است. مورد دوم و چهارم دستور زبان

فارسی از دیدگاهی زبان‌شناسانه هستند و سرانجام مورد پنجم تألیفی است با دو دیدگاه و تقریباً ناهمگون.

و آخرین نکته این که بسیاری از دستورهایی که اخیراً در ایران و یا خارج از ایران برای زبان فارسی تألیف می‌شوند، از آرای زبان‌شناسان بهره‌فراوانی می‌برند.

مآخذ و منابع حواشی

۱- المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس‌الدین محمد بن قیس الرازی، تصحیح محمد قزوینی به کوشش مدرس رضوی، چاپ افست، تهران، ۱۳۳۸، صص ۲۵۶ تا ۲۰۶.

۲- نامه فرهنگستان، سال اول، شماره دوم، تیرماه ۱۳۲۲، مقاله جلال‌الدین همایی درباره دستور زبان فارسی.

۳- همان مأخذ، ص ۴۹. همایی درباره این کتاب می‌نویسد: «اطلاع این بنده از این کتاب رهین اشارت و افادات حضرت علامه زمان جناب آقای میرزا محمدخان قزوینی است - دامت ایام افاضاته العالیه - که پس از ایراد خطا به در فرهنگستان، منت این آگاهی را بر گردن بنده ثابت و لازم فرمودند. نسخه این کتاب به نظر ایشان رسیده اما این بنده از آن بی‌اطلاع است» (ر. ک. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ج ۴۰ ص ۱۲۴).

نام کامل مؤلف این اثر احمد بن علی بن حسین بن مهنا بن عنبه الاصغر است. این کتاب در سال ۱۳۱۸ هـ. ق در بمبئی به چاپ دوم

رسیده و در پشت کتاب «جمال‌الدین و المله» نوشته شده است. پس اسمش احمد، لقبش جمال‌الدین و مهنا، نام جدش است، ظاهراً منسوب به آل عتبّه از سادات حسینیّه متوطن در حجاز بودند که به عراق تحویل مقام کردند. ناشر کتاب می‌گوید که مؤلف در سال ۸۲۸ در کرمان وفات یافت «رجوع شود به سیری در دستور زبان فارسی، تألیف دکتر مهین بانو ضعیف، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱ ص ۳۶».

ظاهراً چاپ اول این کتاب در اسلامبول صورت گرفته است (ر. ک به کتاب شناسی دستور زبان فارسی، تألیف ایرج افشار، مجله فرهنگ ایران زمین ج ۲ «۱۳۳۳» ص ۲۹).

۴- نسخه خطی این کتاب جزء کتابخانه جلال‌الدین همایی موجود است. (ر. ک نامه فرهنگستان سال اول، شماره دوم، ص ۴۹).

۵- تاریخ ادبیات در ایران، تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا، ج ۴، ص ۱۱۵.

۶- همان مأخذ، ج ۴، ص ۱۱۶.

۷- همان مأخذ، ج ۴، ص ۱۱۶ و نیز ر. ک کتاب شناسی دستور زبان فارسی، ص ۳۳.

۸- مجتبی مینوی، دستور زبان فارسی، مجله بغما، شماره دهم، دی‌ماه ۱۳۶۶، سال دهم، شماره مسلسل ۱۱۴، ص ۴۴۳.

۹- ذبیح‌الله صفا، همان مأخذ، ج ۴، ص ۱۱۶ و نیز کتاب شناسی دستور زبان فارسی، ایرج افشار، ص ۳۷.

۱۰- ذبیح‌الله صفا، همان مأخذ، ج ۴، ص ۱۱۶.

۱۱- همان مأخذ، ج ۵، ص ۳۹۶.

۱۲- از یادداشت‌های مجتبی مینوی، ر. ک کتاب شناسی دستور زبان فارسی، گردآورنده ایرج افشار، ص ۴۴.

۱۳- مجتبی مینوی، دستور زبان فارسی، ص ۴۴۴.

۱۴- ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۳۹۷ و نیز ر. ک مقاله دستور زبان فارسی، مجتبی مینوی، ص ۴۴۴.

دستور زبان فارسی

تأليف: دکتر حسن انبوی / دکتر حسن احمدی گوی



۱۵- ایرج افشار، کتاب شناسی دستور زبان فارسی صص ۴۱ و ۳۵. و نیز ر. ک مقاله دستور زبان فارسی، مجتبی مینوی صص ۴۴۴ و هم چنین مقاله «دستورنویسی در دوره تنظیمات»، از خانم دکتر صائمه اینال صاوی، مجله دانشکده ادبیات تهران ۲۳ (۱۳۵۵) ش ۲/۱: صص ۲۸۸-۲۹۴ نسخه ای خطی از این کتاب به قطع ۲۳×۱۴، در ۲۳ برگ مورخ ۱۲۴۳ هـ. ق به خط خلیل صوفی بن عثمان افندی در کتابخانه مجتبی مینوی موجود است.

۱۶- پایان نامه دکترای خانم صائمه اینال، دانشجوی ترکیه در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی نام رساله «تصحیح یکی از متون دستوری با ذکر مقدمه ای کامل درباره تاریخ و تحول دستور زبان فارسی در عثمانی و ترکیه» است. این رساله به شماره ۱۷۵۶ در کتابخانه مرکزی نگه داری می شود (ر. ک صص ۹۶ رساله مذکور).

۱۷- سلسله های اسلامی نوشته کلیفورد ادموند بوسورث، ترجمه فریدون بدره ای، صص ۳۰۵.
۱۸- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، صص ۴۲۲.

۱۹- ایرج افشار، کتاب شناسی دستور زبان فارسی، صص ۴۱.
۲۰- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، صص ۳۹۷.
۲۱- همان مأخذ.

۲۳- احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، جلد سوم، ش ۱۴۲۶، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. چاپ ۱۳۵۹، پاکستان.

۲۴- ایرج افشار، کتاب شناسی دستور زبان فارسی، صص ۳۸.
۲۵- همان مأخذ صص ۳۰ و نیز ر. ک فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، جلد سوم، ش ۱۳۹۸.

۲۶- احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، جلد سوم بخش دستور زبان فارسی و نیز ر. ک تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله

۴۰- همان مأخذ، صص ۲۲.
۴۱- همان مأخذ، صص ۲۷.
۴۲- همان مأخذ، صص ۲۵.
۴۳- مجتبی مینوی، دستور زبان فارسی، صص ۴۴۵.
۴۴- علی اشرف صادقی، دستور زبان فارسی سال چهارم آموزش متوسطه عمومی رشته فرهنگ و ادب، صص ۱۵۴.
۴۵- ایرج افشار، کتاب شناسی دستور زبان فارسی، صص ۳۰، ۳۱.

۴۶- ایرج افشار، همان مأخذ و نیز ر. ک کتاب شناسی زبان و خط فارسی صص ۵۶، محمد گلبنی. در این فهرست، محل چاپ این کتاب استانبول نوشته شده است.

۴۷- ایرج افشار، همان مأخذ، صص ۳۰.
۴۸- همان مأخذ، صص ۳۶؛ مرحوم مینوی درباره این کتاب می نویسد: «شخصی به اسم میرزا حسن بن محمدتقی طالقانی به تقاضای یکی از تربیت شدگان دارالفنون، کتابی به نام لسان العجم تألیف کرده است که در ۱۳۰۵ در تهران به چاپ سنگی منتشر شده است. ر. ک دستور زبان فارسی، مجتبی مینوی.

۴۹- ایرج افشار، کتاب شناسی دستور زبان فارسی، صص ۴۲.

۵۰- شمس الدین رشیدی، سوانح عمر صص ۱۴۷. در کتاب سوانح عمر (شرح زندگانی حسن رشیدی) جزء تألیفات وی از کتاب دیگری به نام «صرف فارسی» هم ذکری به میان می آید که ظاهراً آن را برای دوره دبستان تألیف کرده است. هم چنین ر. ک کتاب شناسی دستور زبان فارسی، ایرج افشار، صص ۳۴.

۵۱- ایرج افشار، کتاب شناسی دستور زبان فارسی، صص ۳۷-۳۳.

۵۲- محمد رضا باطنی، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، مقدمه، صفحه ۳.

۵۳- دستور، سال دوم، آموزش متوسطه عمومی، رشته فرهنگ و ادب، تألیف علی اشرف صادقی، غلامرضا ارزنگ، صص ۳ و ۴.

صفا، ج ۵، صص ۳۹۷.

۲۷- علی اصغر حکمت، فرهنگ جهانگیری، مقدمه لغت نامه دهخدا، صص ۱۹۶.

۲۸- دکتر محمد معین، مقدمه برهان قاطع، صص ۱۳۵ و نیز ر. ک دیباچه مؤلف برهان قاطع.

۲۹- سید محمد علی داعی الاسلام، فرهنگ رشیدی، مقدمه لغت نامه دهخدا، صص ۲۱۸.

۳۰- سعید نفیسی، فرهنگ نظام، مقدمه لغت نامه دهخدا، صص ۲۲۴.

۳۱- ایرج افشار، کتاب شناسی دستور زبان فارسی، صص ۳۲.

۳۲- دکتر محمد معین، انجمن آرا، مقدمه لغت نامه دهخدا، صص ۲۱۹.

۳۳- ایرج افشار، دستورهای سبصد ساله برای زبان فارسی، مجله دانشکده ادبیات تهران، دوره ۱۳، ش ۴، تیرماه ۱۳۴۵، صص ۱۴۰-۱۲۹.

۳۴- همان مأخذ، صص ۱۳۴.

۳۵- همان مأخذ، صص ۱۳۴ و نیز ر. ک سیر فرهنگ در بریتانیا، صص ۳۶ و هم چنین کتاب شناسی زبان و خط، ش ۱۱۰۷.

۳۶- ایرج افشار، دستورهای سبصدساله، صص ۱۳۵.

۳۷- ایرج افشار، کتاب شناسی دستور زبان فارسی، صص ۲۱.

۳۸- ابوالقاسم طاهری، سیر فرهنگ ایران در بریتانیا، صص ۳۹ و ۲۴۱.

۳۹- ایرج افشار، کتاب شناسی دستور زبان فارسی، صص ۲۶.